



گمات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۱

پنجشنبه ۹ آذر ۱۳۹۶



نگاهی به مستند

«چهل هزار فرزند»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۱، پنجشنبه، ۹ آذرماه ۱۳۹۶



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





نورالله نصرتی | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

هفتم دی ماه ۱۳۸۲

دو روز بعد از زلزله، نورالله نصرتی به ویرانه‌های شهر بم رسید. به عنوان مامور سمعی و بصری سازمان هلال احمر اون روزها کارهای زیادی داشت. باید از خسارت‌های شهر عکس هوایی می‌گرفت، باید گزارش‌های دقیقی رو برای رسانه‌ها تنظیم می‌کرد، باید روند امداد رسانی رو برای ثبت تو تاریخ به خوبی تصویر می‌کرد. شاید همون جا، تودل اون فاجعه بود که برای اولین بار متوجه شد عضو چه سازمان بزرگیه، که هلال احمر چطور آرامش رو، امید رو، زندگی رو زنده نگه می‌داره.

همون روزها بود که تصمیم گرفت در این مورد به مستند بسازه. شروع کرد به مطالعه کردن و توجریان این مطالعه بود که تازه متوجه شد هلال احمر خیلی بیشتر از چیزیه که می‌شناخته. خب، اون چیزهای زیادی برای گفتن به مردم داشت. مردم حق داشتند بدون دلشون دقیقاً به چی قرصه.



روایت غربت فرزندان ایران

مستند «چهل هزار فرزند» به کارگردانی نورالله نصرتی، قصه اسرای ایرانی در عراق و مشکلات خانواده‌های آن‌ها را روایت می‌کند. به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، نورالله نصرتی کارگردان مستند «چهل هزار فرزند» درباره تولید این مستند گفت: من همیشه احساس می‌کردم که به مقطع ده ساله اسارت رزمندگان ایرانی که از هشت سال دفاع مقدس چیزی کم ندارد، آن طور که باید پرداخته نشده است. بیش از چهل هزار نفر از رزمندگان ایرانی سال‌ها در اسارت رژیم بعثی بودند و شکنجه دیدند و خیلی از آن‌ها به شهادت رسیدند. این ده سال به نظرم در تاریخ معاصر به شدت مغفول واقع شده است.



نورالله نصرتی

نویسنده:

سهیل محمودی



وی افزود: من در زمان دانشجویی

برای تحقیقات به اداره اسرا و مفقودین سازمان هلال احمر رفتم و با مطالعه برخی پرونده‌ها و گفت و گوبا مسئولین این عرصه، حیرت کردم از این که چنین ظرفیتی در ساخت فیلم‌های مستند و داستانی مورد غفلت واقع شده است.

نصرتی تاکید کرد: «چهل هزار فرزند» یک مستند پژوهشی است که یک سری اتفاقات تاریخی را از دید شاهدان عینی روایت می‌کند. این مستند با یک مسئله حقوقی سرو کار دارد. در اپیزود اول «چهل هزار فرزند» به نام «زندان حجاج»، نقض حقوق بشر توسط رژیم بعث بررسی می‌شود و این اتفاق از طریق بازخوانی گزارش‌های صلیب سرخ رقم خواهد خورد. اپیزود دوم به نام «باغ هلال» به سازمان هلال احمر و اداره‌ی اسرا و مفقودین این سازمان و نقش

این اداره در دوران دفاع مقدس و پس از آن در حوزه مسائل مربوط به مفقودین و اسرا می‌پردازد. اپیزود سوم هم به نام «قاصدان سپید و سرخ» به تبادل شش میلیون نامه بین اسرا و خانواده‌هایشان می‌پردازد.

کارگردان مستند «چهل هزار فرزند» در آخر گفت: اپیزود آخر این مستند که به نام «چهل هزار فرزند» است به نوعی با سه اپیزود اول تفاوت دارد. این بخش از مستند به نوعی پرتله خانم بهجت افراز است که هجده سال رییس اداره اسرا و مفقودین سازمان هلال احمر بوده‌اند.

مستند «چهل هزار فرزند» به کارگردانی نورالله نصرتی تولید شده است و با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ هشتم آذرماه، در ساعت بیست و در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند به روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند
«چهل هزار فرزند»



غوغای تصاویر بایگانی شده!

تحلیلی بر مستند «چهل هزار فرزند»

نویسنده: رحیم ناظریان

تحت تأثیر تصاویر آرشیوی قرار بگیرید و به نوعی تصویری که دیگران در زمانی و مکانی دیگر ضبط کرده‌اند، در فیلم، بیش از اندازه استفاده شود، به حدی که نتوانید اصالت اثر تازه را تشخیص دهید،

در حین دیدن یک فیلم ممکن است اشک بریزید و این بخش احساسی ماجرا، در کنار منطق علمی نقد و تحلیل، مسئله آن چنان عجیبی نیست. اما وقتی در طول دیدن یک فیلم فقط



می‌توانید از کلمه عجیب استفاده کنید. بسیار نکته‌عجیبی است که پس از دیدن یک فیلم، آن قدر تصاویر آرشیوی‌اش دارای غنای تصویری، تحرک، حس ناب مستند و بسیاری از موارد دیگر باشد که خود فیلم و تصاویر اورژینالش را در برابر آن بی‌مقدار بدانید. حتی اگر بحث بر سر آموختن نیز باشد، برخی تصاویر آرشیوی در یک فیلم، خود باید در جایگاه یک آموزگار به فیلمساز درس تولید بدهد که متأسفانه اکثراً این امر در تولیداتی که از آرشیو بهره می‌برند، رخ نمی‌دهد. نقل خاطرات عذاب جنگ، اگرچه بسیار با ارزش باشد اما در راستای تحقق یک تولید هنری، به نظر می‌آید به تنهایی کارآمد نیست.

به قیاس‌های تامل برانگیز و ظاهراً عذاب‌آور زیر بیشتر دقت کنیم:

پلان‌های آرشیوی: پویا و سرزنده.

پلان‌های اورژینال: ساکن و بی‌روح.

پلان‌های آرشیوی: کاملاً زنده و مستقیم و همزمان با واقعه اصلی.

پلان‌های اورژینال: کاملاً خاطره‌گویی و مرده و تنها نقل روایت ماضی.

پلان‌های آرشیوی: سرشار از انتقال

حس.

پلان‌های اورژینال: گاهی تهی از احساس.

پلان‌های آرشیوی: کاملاً تصویری و متکی بر زبان تصویر.

پلان‌های اورژینال: کاملاً شنیداری و متکی بر زبان گفتار.

پلان‌های آرشیوی: دارای اصالت و شکل غایی مستند و تصویربرداری با شمایلی پریشان، مخصوص به تولیداتی که مربوط به لحظه وقوع رویداد است.

پلان‌های اورژینال: بدون اصالت و فقط مصاحبه رودرو، خشک و تهی از خلاقیت و کاملاً آنکادر (encadre)، مرتب و برنامه‌ریزی شده.

از این دست قیاس، در مستند «چهل

هزار فرزند» بسیار زیاد است. مستندی

که تصاویر آرشیوی‌اش نه کم و نه خیلی

بیشتر، بلکه با اختلاف بسیار زیاد، از

تصاویر اورژینالش قوی‌تر و تأثیرگذارتر

است. «چهل هزار فرزند» مستندی

است درباره اسرای ایرانی جنگ عراق

با ایران که تنها از زاویه دید هلال احمر

و سخت‌کوشی‌ها و ایشار این سازمان به

موضوع می‌نگرد.



اسارت تا آزادی اسرای ایرانی بیان شد، تنها از زاویه دید هلال احمر است. سازمانی که وظایفی حیاتی و حساس در طول دوران جنگ، خصوصاً موضوع تعیین تکلیف اسرای ایرانی در عراق را داشت. سازمانی که به عنوان رابط با صلیب سرخ جهانی برای روشن شدن وضعیت و حمایت از اسرای ایرانی در عراق فعالیت می‌کرد و در این میان یک زن به نام «بهجت افراز» تحت لقب «ام‌اسرا» - رئیس وقت اداره جستجو و مفقودین هلال احمر - به عنوان کاراکتر مرکزی در فیلم حضور دارد و ماجرا با روایت او از دوران جنگ، اسرای ایرانی و همچنین روایت دیگر کاراکترهای حاضر در مستند، درباره او، نقل می‌شود.

عنوان مستند «چهل هزار فرزند» نیز اشاره‌ای است بر همین شخصیت که

با این حال از نظر موضوعی، همین زاویه‌ی دید، خود نکته‌ای مثبت برای این اثر خواهد بود چرا که فیلمساز حداقل در این مورد، سراسر است و با برنامه عمل نموده تا به حاشیه نرود و روایتی آشفته از موضوعی تحت عنوان اسرای ایرانی در عراق ارائه ندهد. وقتی فیلم در عنصر روایت، منسجم عمل نماید، می‌توان به دورنمای محتوایی اثر پیش از پیش نزدیک شد. روایت رنج و عذاب اسرا در لوای مجاهدت سازمان هلال احمر و برخی از اعضای نمونه آن، سبب شده تا این مستند برای شرح این ماجرای دردناک، دیگر متوسل به شاخه‌های مختلف نشود و یا به طور مثال دیگر از خود آزادگان برای شرح این دوران پر از رنج و عذاب استفاده نکند. هرآنچه در این مستند در قبال

به دلیل تلاش بی‌شائبه او در هلال احمر، اسرای ایران را فرزندان او خطاب کردند. با این حال از سویی دیگر اصالت این زاویه دید به این دلیل که پروژه با حمایت اداره کل هلال احمر در سال ۹۶ تهیه شده است، به زیر سؤال می‌رود و یک دستی روایت را می‌توان امری فرمایشی قلمداد کرد. اما همان طور که در آغاز این نوشتار در رابطه با ماهیت تصاویر آرشیوی در اثری مستند بیان شد، فیلم «چهل هزار فرزند» نیز با این تکنیک تولید شده است. جذابیت و تأثیرگذاری تصاویر آرشیوی، به قدری در این فیلم بیش از خود تصاویر تولیدی است که گاهی ماهیت کامل اثر به زیر سؤال می‌رود. باید دانست مضمون تصاویر آرشیوی چیست و دلیل استفاده از آن در فیلمی جدید چه نیازی را مرتفع می‌کند؟ آیا تصاویر آرشیوی تنها به عنوان یک سند و مدرک در اثری جدید استفاده می‌شوند یا یک یادبود یا تکمیل‌کننده‌ی مضمونی هستند؟ سؤال اینجاست اگر تمام تصاویر آرشیوی مستند «چهل هزار فرزند» را برداریم چه باقی می‌ماند؟ جواب به شدت ناامیدکننده است. دقایق طولانی مصاحبه‌ی مستقیم و

رودررو که هیچ اکتی یا هیچ نشانی از استنادی خلاقانه ندارد و تنها برای یک ارجاع محتوایی و یا ثابت کردن حرف کاراکترهای مصاحبه‌شونده، به کار می‌رود. دقایق طولانی از مصاحبه‌ای تلویزیونی که تنها بیان خاطرات است و آنچه را می‌توان از اثر به عنوان مستند یاد کرد، تنها ضرباهنگی است که به واسطه تدوین شکل گرفته است. شاید این سؤال پیش بیاید که چنین نقدی اساساً به دلیل سپری شدن زمان وقوع یک رویداد، بر چنین آثاری که ناچاراً باید از آرشیو استفاده کنند، وارد است یا خیر؟ دقیقاً این مسئله، باورپذیر و قابل قبول است. چرا که خود فیلمساز نیز در آغاز فیلم بیان می‌کند سوژه‌ای که درباره اسرای ایرانی باشد، بسیار از نظر تصویری کمبود منابع دارد. از سویی در زمان وقوع رویداد، نه امکاناتی بود و نه اینکه شرایطی برای تصویربرداری در خاک عراق از اسرا وجود داشت و علاوه بر این‌ها منطق جنگ نیز چنین اجازه‌ای برای تصویربرداری نمی‌دهد و نهایتاً این که جز خود اسرا شاهدان دیگری وجود ندارد. بنابراین با دلایل مختلف می‌توان پذیرفت اثری چون «چهل هزار فرزند»

جذابیت و تأثیرگذاری
تصاویر آرشیوی، به
قدری در این فیلم
بیش از خود تصاویر
تولیدی است که
گاهی ماهیت کامل اثر
به زیر سؤال می‌رود.

اساساً محتاج به آرشيو خواهد بود اما نکته اين نيست، بلكه نحوه استفاده از آرشيو، موضوع بحث ماست.

مگر مي شود بخش قابل توجهي از فيلمتان با استفاده از تصاويري كه ديگران ضبط كرده اند شكل بگيرد و آنچه باقي مي ماند تنها خاطره گويي چند بازمانده رويداد باشد؟ اين را نيز از ياد نبريم كه بيشتر اين تصاوير آرشيوئي حتي ممكن است در نماهنگ ها و باقي مستندها نيز به كار رود يا رفته باشد و همين مسئله نيز رفته رفته آن را تبديل به كليشه هايي تكرار شونده خواهد كرد.

آنچه امروزه در مستندسازي اكثر نهادها يا سازمان ها اتفاق مي افتد، فراموش كردن اصالت هنري يك فيلم و تنها پرداختن بر سويه هاي آموزش يا تبليغي است و اين موضوع بسيار شبیه به فرآيند و شیوه ی کتاب‌هایی به ظاهر پژوهشی است که امروزه در ایران باب شده است. کتابی که از ابتدا تا پایان آن، گردآوری نظریات مختلف از نظریه پردازان متفاوت هنری و ادبی است و اما نهایتاً شما بر جلد کتاب، نامی ایرانی را به عنوان مؤلف می بینید. چه چیزی فرق بین یک تألیف یا تقلید و یا

گردآوری را مشخص می کند؟ تنها زمانی شما عنوان مؤلف جدیدی بر اثری از مؤلفی ديگر را می توانيد قبضه كنيد كه بر آن اثر، چيزی اضافه و يا طرز تلقی جدیدی از آن ارائه كرده باشيد و اين موضوعی است كه در هنر و ادبيات پست مدرنيستی به شدت از آن استقبال می شود؛ يا برای مثال، آنچه مارسل دوشان با موناليزا كرد و باریش و سبیلی بزی و عنوانی جدید برای او در لوای دادائيسم، اثری متفاوت از اثر اصلی ارائه نمود.

در «چهل هزار فرزند» تصاوير آرشيوئي به شكل بي حد و اندازه ای فضای فيلم را احاطه كرده. تصاويری به شدت تأثیرگذار كه فقدان آنها عملاً سبب می شود چيزی از اثر باقي نماند، جز فصل چهارم مستند كه تحركی در مضمون و اجرا وجود دارد.

به نظر وقت آن رسیده است كه همچون مثالی كه از برخی آثار چاپی در حوزه پژوهش آورده شده، در آثار مستند نيز لقبی چون گردآوری به برخی توليدات داده شود كه اگر اين اصطلاح مورد پذيرش واقع می شد، بی شك «چهل هزار فرزند» بيش از آنكه اثری تألیفی باشد، بيشتر گردآوری است و به عبارتی فیلمی است كه بينابين

تصاویر متعدد آرشیوی، توضیحاتی مربوط به آن تصاویر از زبان مهمانانش ارائه می‌کند. یک گردآوری آبرومندانه!

«چهل هزار فرزند» در تصاویر آرشیوی اش و همین طور مصاحبه با کاراکترهای مرتبط با موضوع، به مسائلی چون تنبیه و شکنجه اسرای ایرانی در عراق، ده سال گرسنگی، عدم درمان اسرای بیمار، عدم ارائه امکانات حداقلی برای بهداشت شخصی، عدم وجود امکانات در فصول گرم و سرد سال می‌پردازد. این موارد تنها از همان زاویه دید هلال احمر است. مستند از چهار بخش تشکیل شده که هر کدام عنوانی جداگانه دارد و افرادی از رؤسا و مسئولین وقت هلال احمر و همین طور برخی از آزادگان یا مادرانشان، در اثر حضور دارند. تنها در بخش سوم و چهارم این مستند می‌توانید از نظر شکل روایت و طرح، خلاقیتی مختصر ببینید. در بخش سوم که عنوانش «قاصدان سپید و سرخ» نام دارد، مادر یکی از آزادگان که در طول فیلم متعاقبا حضور دارد، در حال خواندن نامه‌ای از دوران اسارت فرزندش است و از سوی دیگر در پلانی دیگر یک آزاده نیز در حال خواندن نامه‌ای مربوط به همان

دوران است. در این بخش از مستند، این دو کاراکتر به عنوان مادر و فرزند معرفی می‌شوند و این در حالی است که پیشتر با وجود مشاهده هر دوی آنها، تصور مادر و فرزند بودنشان دور از انتظار بود. نکته مهم، تلفیق این دو کاراکتر با قرائت یک نامه است. یا در بخش چهارم، رخوت و ایستایی مصاحبه‌ی رودرو و نشسته در بخش‌های قبلی، به مصاحبه‌ای در سفر تبدیل می‌شود. رئیس وقت اداره جستجو و مفقودین هلال احمر یعنی خانم افراز، بعد از سال‌ها به دیدار مادر یکی از آزادگان می‌رود. چشم‌انتظاری مادر آزاده در آستانه درب خانه، برای خانم افراز، در فیلم، تعبیری از چشم‌انتظاری طولانی او برای فرزند اسیرش در دوران اسارات نیز قلمداد می‌شود.

«چهل هزار فرزند» پژوهشی است در جهت معرفی هلال احمر و البته آنچه از همتای جهانی‌اش یعنی صلیب سرخ نمی‌دانستیم. نهادی بین‌المللی که در دوران جنگ، به زعم برخی از شاهدان مستند، به شکلی بی‌طرف سعی در امداد به اسرای دو طرف و خانواده‌هایشان داشت.

فستیوال جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «چهل هزار فرزند» D2



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.